يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَقُوْلُوْا قَوْلًا سَدِيْدًا ﴿٧٠﴾

ای مسلمان بترسید ازخدا وبگوئید سخن استوار (٧٠) .

يُّصْلِحْ لَكُمْ اَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوْبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ
وَرَسُوْلَهٗ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيْمًا ﴿٧١﴾

تابصلاح آرد کردار های شمارا وبیامرزد برای شما گناهانِ شمارا وهرکه فرمان بردخدا ورسولِ اورا پس هرآئینه مطلب یاب شد به پیروزی بزرگ (٧١) .

اِنَّا عَرَضْنَا الْاَمَانَةَ عَلَى السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَالْجِبَالِ
فَاَبَيْنَ اَنْ يَّحْمِلْنَهَا وَاَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْاِنْسَانُ ۗ
اِنَّهٗ كَانَ ظَلُوْمًا جَهُوْلًا ﴿٧٢﴾

هرآئینه ما آوردیم امانت را[(١)] برآسمان ها وبرزمین وبرکوه ها پس قبول نه کردند که بردارند آن را وترسیدند ازآن وبرداشت آنرا آدمی هرآئینه وی هست ستمگار نادان[(٢)] (٧٢) .

لِّيُعَذِّبَ اللّٰهُ الْمُنٰفِقِيْنَ وَالْمُنٰفِقٰتِ وَالْمُشْرِكِيْنَ
وَالْمُشْرِكٰتِ وَيَتُوْبَ اللّٰهُ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ ۗ
وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿٧٣﴾

تاشود آخرکار آنکه عذاب کند خدای تعالی مردان منافق وزنان منافق را ومردان مشرك وزنان مشرك را وبرحمت رجوع کند خدا برمردان مسلمان و زنان مسلمان وهست خدا آمرزنده مهربان (٧٣) .

سُوْرَةُ سَبَاٍ

سوره سبامکی است وآن پنجاه وچهار آیت و شش رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَلَهُ
الْحَمْدُ فِي الْاٰخِرَةِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيْمُ الْخَبِيْرُ ﴿١﴾

همه ستائش خدای راست که بدست اوست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین ست و مراو راست ستائش درآخرت واوست باحکمت آگاه (١) .

---

(١) یعنی استعداد وتکلیف به اوامرونواهی والله اعلم .

(٢) یعنی بالفعل عدالت و علم ندارد وقابلیت آنها دارد والله اعلم .

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ
مِنَ السَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۚ وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ﴿٢﴾

میداند آنچه درمی آید بزمین وآنچه برمی اید ازوی وآنچه فرود می آید ازآسمان وآنچه بالامیرود در وی واوست مهربان آمرزنده (٢) .

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ ۖ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي
لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ ۖ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي
السَّمٰوٰتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذٰلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا
فِي كِتٰبٍ مُّبِينٍ ﴿٣﴾

وگفتند کافران نخواهد آمد پیش ماقیامت بگوآری قسم پروردگارِ من البته خواهد آمدبه شما پروردگاری که دانندهٔ پوشیده است غائب نمی شود ازوی هم وزن ذرّه ای درآسمان ها ونه درزمین و نه خُرد تر ازآن ونه بزرگ تر مگرثبت ست درکتاب ظاهر (٣) .

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ ۚ أُولٰٓئِكَ لَهُمْ
مَّغْفِرَةٌ وَّرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾

تاجزا دهد آنان را که ایمان آوردند و عمل های شائسته کردند آن جماعت ایشان راست آمرزش وروزی گرامی (٤) .

وَالَّذِينَ سَعَوْ فِي آيٰتِنَا مُعٰجِزِينَ أُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ
مِّنْ رِّجْزٍ أَلِيمٌ ﴿٥﴾

وآنانکه سعی کردند در ردِّ آیاتِ مامقابله کنان آن جماعت ایشان راست عذاب ازعقوبت درد دهنده (٥) .

وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَّبِّكَ
هُوَ الْحَقَّ ۙ وَيَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٦﴾

ومی بینند آنانکه داده شده است ایشانرا علم چیزی را که فرود آورده شد بسوی تو ازجانبِ پروردگارِ توراست ودلالت کننده بسوی راه خدای غالب ستوده کار (٦) .

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُّنَبِّئُكُمْ
إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ ۙ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿٧﴾

وگفتند کافران بایکدیگرآیا دلالت کنیم شمارا برمردی که خبر میدهدبه شما که چون پاره پاره کرده شوید تمام پاره پاره شدن هرآئینه شما درآفرینش نوباشید (٧) .

أَفْتَرَىٰ عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ ۗ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلٰلِ الْبَعِيدِ ﴿٨﴾

آیابربسته است برخدا دروغ را یاباوجنونی هست بلکه آنانکه ایمان نمی آرند بآخرت در عقوبت باشندودرگمراهی دور (٨) .

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ ۚ إِنْ نَشَأْ نَخْسِفْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسَفًا
مِنَ السَّمَاءِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ ٩

آیا نه دیدند بسوی آنچه پیش روی ایشانست وآنچه پس پشت ایشانست ازآسمان وزمین اگرخواهیم فروبریم ایشان را به زمین یابافگنیم برایشان پارها ازآسمان هرآئینه درین کار نشانه است هربنده رجوع کننده را (٩) .

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا ۖ يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ ۖ
وَأَلَنَّا لَهُ الْحَدِيدَ ١٠

وهرآئینه دادیم داؤد را ازنزد خود بزرگی گفتیم ای کوه ها بزیروبم تسبیح گوئید همراه اوومسخرش ساختیم مرغان را ونرم گردانیدیم برای اوآهن را (١٠).

أَنِ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ ۖ وَاعْمَلُوا صَالِحًا ۖ
إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ١١

فرمودیم که بساز زره های کشاده واندازه نگاه داردربافتن حلقه ها وای اهل بیتِ داؤد به عمل آرید کردار شائسته هرآئینه من بآنچه میکنید بیناام (١١) .

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ ۖ وَأَسَلْنَا لَهُ
عَيْنَ الْقِطْرِ ۖ وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۖ وَمَنْ
يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ١٢

ومسخر ساختیم برای سلیمان باد را سیراوّل روزِاویکماهه راه بود و سیرِ آخر روزَ اونیز یکماهه راه بود و روان ساختیم برای او چشمهٔ مِس ومسخرش ساختیم ازدیوان کسی را که کار میکرد پیش او به حکم پروردگار خویش وهرکه کجی کندازدیوان ازحکم ما بچشانیم اورا پاره ای ازعقوبتِ دوزخ (١٢) .

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِيبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ
وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ ۚ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا ۚ وَقَلِيلٌ مِنْ
عِبَادِيَ الشَّكُورُ ١٣

میساختند برای اوآنچه میخواست ازقلعه ها وصورت ها وکاسه ها بقدر حوض ها ودیگ های ثابت درجاهای خودگفتیم به عمل آرید ای آل داؤد سپاسداری را واندك کسی ست ازبندگان من شکر گذارنده (١٣) .

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلٰى مَوْتِهٖٓ اِلَّا دَآبَّةُ
الْاَرْضِ تَاْكُلُ مِنْسَاَتَهٗ ۚ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ اَنْ لَّوْ كَانُوْا
يَعْلَمُوْنَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوْا فِي الْعَذَابِ الْمُهِيْنِ ﴿١٤﴾

پس چون مقرر کردیم بروی مرگ را دلالت نه کرد ایشان را بر موتِ او مگرکرم چوب خواره که میخُورَد عصای سلیمان را پس چون بافتاد واضح شد پیش دیوان که اگرمیدانستند غیب را درنگ نمی کردند درعذاب خوارکننده (١٤) .

لَقَدْ كَانَ لِسَبَاٍ فِيْ مَسْكَنِهِمْ اٰيَةٌ ۚ جَنَّتٰنِ عَنْ يَّمِيْنٍ وَّشِمَالٍ ۚ
كُلُوْا مِنْ رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوْا لَهٗ ۚ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَّرَبٌّ
غَفُوْرٌ ﴿١٥﴾

هرآئینه بود قوم سبارا درجای ماندن ایشان نشانهٔ مرایشانرا بود دو بوستان از جانبِ راست وازجانبِ چپ گفتیم بخورید رزق پروردگارخویش وشکر گوئید اوراشمارا شهری هست پاکیزه وپروردگار آمرزنده (١٥) .

فَاَعْرَضُوْا فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنٰهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ
جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَيْ اُكُلٍ خَمْطٍ وَّاَثْلٍ وَّشَيْءٍ مِّنْ سِدْرٍ قَلِيْلٍ ﴿١٦﴾

پس روگردانیدند[1] پس فرستادیم برایشان سیلی تند[2] وعوض دادیم ایشان را بجای دوبوستانِ ایشان دو بوستانی دیگرخداوند میوه های بدمزه وخداوند درخت گز وچیزی اندك ازدرخت کنار (١٦) .

ذٰلِكَ جَزَيْنٰهُمْ بِمَا كَفَرُوْا ۚ وَهَلْ نُجٰزِيْٓ اِلَّا الْكَفُوْرَ ﴿١٧﴾

این سزا دادیم ایشان را بسبب ناسپاسی ایشان وسزای بدنمیدهیم مگرناسپاس را (١٧) .

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِيْ بٰرَكْنَا فِيْهَا قُرًى ظَاهِرَةً

وپیدا کردیم میانِ ایشان ومیانِ آن ده ها که برکت نهاده ایم درآن[3] ده هامتصل

---

(١) یعنی ازشکر .
(٢) یعنی سیلی که به پشت ها بندکرده بودند .
(٣) یعنی شام .

وقدرنا فيها السير سيروا فيها ليالي وأياما آمنين ﴿١٨﴾

بایکدیگر ومقرر کردیم درآن ده ها آمدرفت راگفتیم سیر کنید درین ده ها شب ها وروزها ایمن شده (١٨) .

فقالوا ربنا بعد بين أسفارنا وظلموا أنفسهم فجعلناهم
أحاديث ومزقناهم كل ممزق إن في ذلك لآيات لكل
صبار شكور ﴿١٩﴾

پس گفتند[١] ای پروردگار ما دوری پیدا کن درمیانِ سفر های ماوستم کردند برخویش پس‌گردانیدیم ایشان را افسانه ها و پاره پاره ساختیم ایشان را تمام پاره پاره ساختن هرآئینه درین ماجرا نشانه هاست هر صبر کننده شکرگوینده را (١٩) .

ولقد صدق عليهم إبليس ظنه فاتبعوه إلا فريقا
من المؤمنين ﴿٢٠﴾

وهرآئینه راست یافت شیطان درحق ایشان اندیشهٔ خودرا پس پیروی اوکردند مگرگروهی اندك ازمسلمانان (٢٠) .

وما كان له عليهم من سلطان إلا لنعلم من يؤمن
بالآخرة ممن هو منها في شك وربك على كل
شيء حفيظ ﴿٢١﴾

ونه بود شیطان را برایشان هیچ غلبه لیکن مبتلا گردانیدیم تابدانیم کسی را که ایمان می آرد بآخرت ازآن که وی در شبهه است ازوی وپروردگار تو برهرچیز نگاهبان ست (٢١) .

قل ادعوا الذين زعمتم من دون الله لا يملكون مثقال
ذرة في السماوات ولا في الأرض وما لهم فيهما من شرك
وما له منهم من ظهير ﴿٢٢﴾

بگوبخوانید آنان را که‌گمان میکنید بجز خدا مالك نیستند هم وزنِ یك ذره درآسمان ها ونه درزمین ونیست ایشان را درآسمان و زمین هیچ شرکتی ونیست خدارا ازایشان هیچ یاری دهنده (٢٢) .

ولا تنفع الشفاعة عنده إلا لمن أذن له حتى إذا فزع

وسودنکند سفارش نزد خدای تعالی مگربرای کسیکه دستوری داده باشد

(١) یعنی به زبانِ حال .

عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ وَهُوَ الْعَلِيُّ
الْكَبِيرُ ﴿٢٣﴾

برای[1] اواهل محشر مضطرب شوند تاآنگاه که اضطراب دور کرده شود ازدلهای ایشان گویند چه چیز فرموده است پروردگارشما (ملأاعلی) گویند که فرموده است سخن راست واوست بلند مرتبه بزرگ قدر (٢٣) .

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ
لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٢٤﴾

بگوکه روزی میدهد شمارا ازجانب آسمان هاو زمین (باز) بگو خدامیدهد و هرآئینه مایاشما بر هدایتیم یا درگمراهی ظاهر (٢٤) .

قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٥﴾

بگو سوال کرده نخواهید شدشما ازگناه ما وسوال کرده نه خواهیم شد ما ازآنچه شمامی کنید (٢٥) .

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ ﴿٢٦﴾

بگو جمع خواهد کرد پروردگارِما میان ما بازحکم کند میان ما (یعنی میان ماوشما) براستی واوست حکم کنندهٔ دانا (٢٦) .

قُلْ أَرُونِيَ الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾

بگو بنمائید مراآنانکه ایشان را لاحق کرده اید باخدا شریك ساخته نه چنین ست بلکه خدا اوست غالب باحکمت (٢٧) .

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ
لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾

ونه فرستادیم ترا الاّبرای مردمان همه مژده دهنده وترساننده ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (٢٨) .

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٩﴾

ومی‌گویندکی بوجودآیداین وعده اگر شما راست‌گوئید (٢٩) .

قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً
وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ ﴿٣٠﴾

بگو شماراست وعدهٔ روزیکه بازپس نمانید ازآن ساعتی ونه پیش دستی کنید (٣٠) .

---

(١) یعنی اذنِ شفاعت داد .

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن نُّؤْمِنَ بِهَٰذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي
بَيْنَ يَدَيْهِ ۗ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ
بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ
اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ﴿٣١﴾

وگفتند کافران یعنی مشرکان هرگزباورنداریم این قرآن را ونه آن کتاب را که پیش ازوی بود وتعجب کنی ای بیننده اگربه بینی چون ستمگاران ایستاده کرده شوند نزد پروردگارخویش باز میگرداند بعض ایشان بسوی بعض سخن را[1] گویند آنانکه ناتوانگرفته شد ایشان را بآنانکه سرکشی کردند اگرنمی بودیدشما هرآئینه مامسلمان می شدیم (٣١) .

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ
الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُم ۖ بَلْ كُنتُم مُّجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾

گفتند سرکشان به ناتوانان آیامابازداشتیم شمارا از هدایت بعد ازآنکه آمدبشما بلکه بودید شما گناه‌گاران (٣٢) .

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَن نَّكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَندَادًا ۚ
وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي
أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٣٣﴾

وگفتند ناتوانان سرکشان را نه، بلکه بازداشت مارا مکر شب و روز[2] چون میفرمودیدمارا که کافرشویم به خدا ومقررکنیم برای اوهمتایان را ودردل دارند همه ایشان پشیمانی چون به بینند عذاب را وباندازیم طوقهادرگردن های کافران سزا داده نمی شوند مگر بوفق آنچه می کردند (٣٣) .

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا
أُرْسِلْتُم بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٤﴾

ونه فرستادیم درهیچ دهی بیم کننده را مگرگفتند مُنَعَّمَانِ آن ده هرآئینه مابآنچه فرستاده شدید به آن نا معتقدیم (٣٤) .

وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿٣٥﴾

وگفتند ما زیاده تریم باعتبارِ اموال واولاد ونیستیم ماعذاب کرده شدگان (٣٥) .

---

(١) یعنی سؤال وجواب کنند .

(٢) یعنی مکرشماکه پیوسته درسعی آن بودید .

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَٰكِنَّ
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾

بگوهرآئینه پروردگارمن کشاده میکندروزی رابرای هرکه خواهد وتنگ میکند برای هرکه خواهد ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (٣٦) .

وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ
إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضِّعْفِ
بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ ﴿٣٧﴾

و نیست اموال شما ونه اولادِ شما آن چیز که مقرب گرداندشمارا نزد مابمرتبۀ قربت لیکن مقرب آنست که ایمان آورد وکرد کردار شائسته پس آن جماعت ایشان راست جزای دوچند به مقابله آنکه عمل کردند و ایشان درکوشك های بلند ایمن باشند(٣٧) .

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ
مُحْضَرُونَ ﴿٣٨﴾

وآنانکه سعی میکنند در ردّ آیات مامقابله کنان آن جماعت درعذاب حاضر کرده شوند (٣٨) .

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ
وَيَقْدِرُ لَهُ ۚ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ ۖ
وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٣٩﴾

بگوهرآئینه پروردگارمن کشاده می کند روزی را برای هرکه خواهد ازبندگانِ خودوتنگ می سازد برای هرکه خواهد و هرچه خرج کنیدازهرجنس که باشد پس خدا عوضِ آن دهد واوبهترین روزی دهندگانست (٣٩) .

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَٰؤُلَاءِ
إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٤٠﴾

و روزی که برانگیزد خداایشان را همه یکجا باز بگوید به فرشتگان آیاایشان شمارا عبادت می کردند (٤٠) .

قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيُّنَا مِنْ دُونِهِمْ ۖ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ
الْجِنَّ ۖ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾

فرشتگان گویند پاکی تراست توکارسازمائی سوای ایشان بلکه ایشان عبادت میکردند دیوان را[١] اکثرایشان به

(١) یعنی عبادتِ ملائکه بجهت وسوسه شیاطین بود پس گویاعبادت شیاطین کردند .

فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَّفْعًا وَّلَا ضَرًّا ۭ وَنَقُوْلُ لِلَّذِيْنَ ظَلَمُوْا ذُوْقُوْا عَذَابَ النَّارِ الَّتِيْ كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُوْنَ ﴿٤٢﴾

وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيٰتُنَا بَيِّنٰتٍ قَالُوْا مَا هٰذَآ اِلَّا رَجُلٌ يُّرِيْدُ اَنْ يَّصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ اٰبَاۗؤُكُمْ ۚ وَقَالُوْا مَا هٰذَآ اِلَّآ اِفْكٌ مُّفْتَرًى ۭ وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاۗءَهُمْ ۙ اِنْ هٰذَآ اِلَّا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿٤٣﴾

وَمَآ اٰتَيْنٰهُمْ مِّنْ كُتُبٍ يَّدْرُسُوْنَهَا وَمَآ اَرْسَلْنَآ اِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَّذِيْرٍ ﴿٤٤﴾

وَكَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۙ وَمَا بَلَغُوْا مِعْشَارَ مَآ اٰتَيْنٰهُمْ فَكَذَّبُوْا رُسُلِيْ ۣ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيْرِ ﴿٤٥﴾

قُلْ اِنَّمَآ اَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ ۚ اَنْ تَقُوْمُوْا لِلّٰهِ مَثْنٰى وَفُرَادٰى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوْا ۣ مَا بِصَاحِبِكُمْ مِّنْ جِنَّةٍ ۭ اِنْ هُوَ اِلَّا نَذِيْرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيْدٍ ﴿٤٦﴾

قُلْ مَا سَاَلْتُكُمْ مِّنْ اَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ۭ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلَى اللّٰهِ ۚ

دیوان اعتقاد داشتند (٤١) .

پس امروز نمی تواند بعضِ شمابرای بعضی سود رسانیدن ونه زیان رسانیدن وفرمائیم ستمگاران را بچشید عذاب آتشی که شما دروغ می پنداشتیدآن را (٤٢) .

وچون خوانده می شود برایشان آیاتِ ما روشن آمده گویند بایکدیگرنیست این پیغامبر مگرمردی که میخواهد بازدارد شمارا ازآنچه می پرستیدند پدرانِ شما وگویند نیست این قرآن مگردروغی بربافته وگویند کافران سخن راست را چون بیامد بدیشان نیست این مگرسحرِ ظاهر (٤٣) .

ونداديم مشركانِ عرب را کتاب ها که بخوانند آن را و نه فرستادیم بسوی ایشان پیش ازتوهیچ ترساننده(٤٤) .

تکذیب کردند آنانکه پیش ازایشان بودند واین مشرکان نه رسیده اند به یك دَهُمِ آنچه داده بودیم به پیشینیان پس بدروغ نسبت کردند پیغامبرانِ مرا پس چگونه بود عقوبت من(٤٥) .

بگوجزاین نیست که پندمیدهم شمارا بیك کلمه که برخیزید برای خدا دوگان دوگان ویك یك باز تأمل کنید که نیست به یارشما هیچ جنونی، نیست اومگر بیم کننده برای شماپیش از آمدنِ عذاب سخت (٤٦) .

بگوآنچه سوال کرده باشم ازشماجنس

وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٤٧﴾

مُزد پس آن شماراست نیست مُزدِمن مگربرخدا واو برهمه چیزگواه است (٤٧) .

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴿٤٨﴾

بگو هرآئینه پروردگارمن برمی تابد ازعلمِ غیب وحیِ راست راآن پروردگار، دانای پوشیده هاست (٤٨) .

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ ﴿٤٩﴾

بگوآمدسخنِ راست، وآفرینشِ نونمیکند معبود باطل ونه دیگر بارآفریند (٤٩) .

قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي ۖ وَإِنِ اهْتَدَيْتُ
فَبِمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي ۚ إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ ﴿٥٠﴾

بگواگرگمراه شدم پس جزاین نیست که گمراه شوم برنفس خویش واگرراه یابم پس بسبب آنست که وحی فرستد بسوی من پرورد گارمن هرآئینه وی شنوای نزدیك ست (٥٠) .

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٥١﴾

وتعجب کنی اگر ببینی چون مضطرب شوند پس نباشد ازعذاب خلاص شدن وگرفته شوند از جائی نزدیك[1] (٥١) .

وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾

وگویند آنگاه ایمان آوردیم بقرآن وازکجابُوَد ایشان را بدست آوردنِ ایمان ازجای دور یعنی محال شد (٥٢) .

وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ ۖ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ
مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾

وحالانکه کافربودند به قرآن پیش ازین ومی اندازند[2] نادیده از مکان دور (٥٣).

وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ ۚ
إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ ﴿٥٤﴾

وجدائی افگنده شده میانِ ایشان ومیانِ آنچه می خواستند چنانچه کرده شد بامثالِ ایشان پیش ازین هرآئینه ایشان بودند درشك قوی (٥٤) .

---

(١) یعنی گرفته شوند بآسانی .

(٢) یعنی حدس میزنند .